

مبصر سایت:

قدوس زریر

نیروهای ائتلاف خود از عوامل عمدهء تداوم بحران اند



وضعیت سیاسی - امنیتی موجود افغانستان به صراحت گواهی می دهد که گسترش دامنهء خشونت و کشتار مردم توسط نیروهای ناتو به رهبری ارتش ایالات متحدهء امریکا، حضور آنها را در افغانستان به یکی از عوامل عمدهء تداوم بحران و بی ثباتی مبدل کرده است. تعجب آور اینکه با وجود آفتابی بودن عمل کرد های ضد منافع ملی مردم افغانستان از سوی نظامیان امریکا و بریتانیا که بخش بزرگ قوای "ائتلاف بین المللی" را در "جنگ بر ضد تروریسم" تشکیل می دهند، برخی سازمان ها و حلقات درونی و بیرونی "دموکراتیک" افغانی تا هنوز حضور آنها را در ساز و برگ کنونی شان ضرورت اجتناب ناپذیر برای تحکیم صلح در کشور پنداشته به آیندهء باثبات در پناه این نیروها امید واهی بسته اند.

اگر تنها به رخدادهای غم انگیز چند ماه اخیر سال روان نظر شود بر می آید که بم افگنی های "ضد تروریستی" نظامیان امریکائی ده ها روستا را ویران و صد ها خانواده را نابود کرده اند.

از کرونولوژی تخریب و مرگ بوسیلهء نظامیان امریکائی و دیگر "مُتلفین" در ماه های اخیر، صرفاً به وقایعی که پیامد ناگوار در ابعاد وسیع تری داشته اند اشاره می گردد:

نیروهای امریکا در ماه مارچ در یک حمله هوائی به خوست پنج زن و طفل را به قتل رسانیدند، در ماه اپریل ۳۳ تن به شمول زنان و کودکان را در نورستان کشتند و در ماه جون به یک جمعیت در حال برگزاری مراسم عروسی در ننگرهار یورش برده ۴۷ تن را کشته و ده های دیگر را زخمی ساختند. حوادث مشابهی در ولایات کاپیسا، قندهار و کنر نیز به ملاحظه رسیده اند. در ادامهٔ حوادث اسفناک ناشی از "جنگ امریکا بر ضد تروریسم" خونین ترین آن، حادثهء هفتهء پیش در هرات است.

بر اساس گزارش های منابع گوناگون خبری بین المللی، در نتیجهء حملهء نیرو های هوائی امریکا به روستای عزیزآباد در ولایت هرات بیشتر از ۹۰ تن به قتل رسیده اند که طبق شواهد و مدارک بدست آمدهء سازمان ملل متحد همهء قربانیان این فاجعه، باشندگان بومی روستای نامبرده اند. آژانس خبررسانی رویتر از قول کای آیده فرستادهء ویژهء سازمان ملل متحد برای افغانستان اطلاع می دهد که بر مبنی پژوهش های یوناما - ادارهء امداد سازمان ملل در افغانستان، ۶۰ کودک، ۱۵ زن و ۱۵ مرد در میان کشته شده گان اند. آیا قتلی در این مقیاس یک جنایت جنگی نیست؟

درینجا بر دو مسئله باید مکث کرد: نخست اینکه نظامیان امریکائی برای گمراهی ذهنیت عامه به مانورهای فریبندهء اطلاع رسانی توسل می جویند تا در صورت بروز خشم مردم، تظاهر بی گناهی کنند. آنها در ابتدا اعلان کردند که سی شورش طالب را در تهاجم هوائی خود از بین بردند بعد وقتی موضوع اندکی روشن شد ادعا نمودند که برای حمایت از عملیات اردوی ملی و به تقاضای فرماندهان آن دست به تهاجم هوائی

بردند در حالیکه فرماندهان اردوی رژیم این ادعا را مردود شمردند و بر تک روی نیروهای امریکائی تاکید کردند و حال که میزان اینگونه "ترور ستیزی ها" برملا گردیده است از کشتار بیشتر از ۹۰ تن انکار می ورزند و این رقم را دور از واقعیت می خوانند، چنانچه ناتن پری سخنگوی نیروهای ائتلاف تحت فرمان امریکا می گوید که در حمله هوائی نیروهای آنها به روستای عزیزآباد در ولسوالی شیندند ولایت هرات تنها پنج غیر نظامی، دو زن و یک کودک کشته شده اند. احتمالاً اگر چنین هم باشد بالآخره باید پاسخ داد که چرا این هشت انسان بی گناه را کشتند؟

مسئله دوم برخورد کاملاً غیر مسئولانه حاکمان رژیم جمهوری اسلامی افغانستان در قبال اینگونه حوادث است. همه می دانند که دولت جمهوری اسلامی افغانستان پیدایش و بقای خود را از میلهء تفنگ نیروهای نظامی خارجی در راس نظامیان امریکائی به غنیمت گرفته و حاکمیت می کند که این امر بیانگر مسئولیت مشترک هر دو فاکتور قدرت (ایالات متحدهء امریکا و زیردستان افغانی آنها - رژیم حاکم) نسبت به آنچه در کشور می گذرد می باشد ولی هرگاهی که به نام عملیات سرکوب شورشیان طالب، کشتار افراد بی گناه بویژه زنان و کودکان بوقوع می پیوندد طرفین بخاطر فرار از پاسخ دهی به یکدیگر اتهام می بندند و سعی می نمایند تا مقصر را در وجود یکدیگر جستجو کنند.

درست از پی بمباران عزیز آباد یکی از فرماندهان نظامی امریکا اعلان داشت که ما اینجا به یاری افغانها آمده ایم، هر حادثهء که اتفاق افتد مسئولیت آنرا افغانها دارند اما طرف حکومت برخلاف اظهارات وی، نیروهای "ائتلاف" را مقصر حادثه می شمارد. طبق خبر دفتر ریاست جمهوری اسلامی، حامد کرزی تلفات غیر نظامیان در هرات را به "شدت" محکوم کرده اعتراف نموده است که "تمام تلاش های دولت افغانستان برای جلوگیری از تلفات ملکی نتیجهء مطلوب ببار نیاورده و هموطنان بی گناه ما قربانی عملیات ضد تروریستی می شوند". آیا به "شدت" محکوم کردن های زبانی و اعترافات میانتهی بدون اتخاذ اقدامات عملی موثر، از مکلفیت های اساسی رئیس دولت در برابر مردم می کاهد؟ مشکل قضیه در این امر نهفته است که زمامداران امروز افغانستان با وجود چندین

سال حاکمیت تا هنوز نیاموخته اند با حوادث نظیر حادثه هرات چگونه برخورد نمایند. از همین خبر دفتر ریاست جمهوری بر می آید که حامد کرزی، کمیسیون پانزده نفری به ریاست نعمت الله شهبزائی وزیر حج و اوقاف تعیین نموده تا حادثه را بررسی و نتایج آنرا ظرف یک هفته به او بسپارد. مثل اینکه رئیس جمهور مسایل مربوط به امنیت، محاربه و ضایعات انسانی را با مسایل مانند تأخیر در سفر حجاج به عربستان سعودی به مغالطه گرفته است. مگر وزیر حج و اوقاف صلاحیت و دانش لازم امنیتی، حربی و یا کریمینالوژیک را دارد تا بتواند چنین قضایا را آنهم در یک هفته به بررسی گیرد و نتیجه بدست آورد؟ پرسیده می شود که موجودیت وزرای دفاع، داخله، اداره امنیت و صدها مشاور و کارشناس خارجی در کنار آنها برای چیست؟

طبق یک خبر بی بی سی "شورای وزیران افغانستان با انتشار اعلامیه ای بمباران روستای عزیز آباد در جنوب هرات توسط نیروهای ائتلاف تحت فرمان امریکا را خودسرانه خوانده و آنرا به شدت محکوم کرده است. کابینه افغانستان به وزرای دفاع و خارجه این کشور ماموریت داده است که گفتگوهای جدی را بر اساس حق حاکمیت ملی این کشور با نیروهای بین المللی آغاز کنند. حضور جامعه جهانی در افغانستان باید مجدداً بر اساس توافق متقابل سازمان داده شود." باز هم محکومیت زبانی و صدور دساتیری که بیشتر به تدابیر "تسکین خود و آرامش دیگران" یا بهتر است گفت "تسکین خود و فریب دیگران" می مانند و جنبه اجرائی ندارند زیرا جمله "مجدداً بر اساس توافق متقابل" صریحاً می رساند که توافقی در گذشته وجود داشته که بنا بر بی کفایتی و ناتوانی حکام عملی نگردیده است و باید دوباره تجدید گردد. وقتی توافقی قبلاً وجود داشته و لی در اثر ناکاره گی مسئولان، درحبس لایه کاغذ مانده است نمی توان انتظار داشت که همان ناکاره ها بار دیگر تجدید توافق کنند و آنرا به منصفه اجرا گذارند اگر یک نظام کاری جای سیاهی لشکر ناکاره ها را نگیرد.

زدودن خودسری های "نیروهای ائتلاف تحت فرمان امریکا" که متواتر به تخریب و کشتار بی گناهان می انجامند در صورتی مقدور است که اختیار این نیروها در تصمیم

گیری ها و اجراءات مربوط به مسایل نظامی و امنیتی کشور سلب گردیده ابتدا به بارک های خود برگردند بعد راهی کشورهائیشان شوند. نیل به این هدف مستلزم ایجاد، پرورش و آموزش نیروهای نظامی و انتظامی و وطندوست، مسئولیت پرور و دارای اخلاق پسندیدهء اجتماعی که منجر به استقرار امنیت سراسری خواهد گردید، است و نیروهای مقصود زمانی ایجاد می گردند که مردم افغانستان دارای یک ادارهء سیاسی سالم و دموکراتیک گردند.

دور از انتظار نیست که ادامهء وضعیت جاری، حاکمیت در شکل کنونی و با حاکمان کنونی و عملکرد نیرو های ائتلاف تحت فرمان امریکا به روال کنونی تکرار حوادث شبیه حادثهء هرات را در پی خواهد داشت و ابر تیرهء بحران بر فضای کشور همچنان در گردش خواهد بود.

27082008

www.ayenda.org